

فرهنگ اصطلاحات امریکایی

نوشتہ

آدام ماکای

ام. تی. بُتھر

جی. ای. گیس

ترجمہ

حسن شیخ الاسلام زادم



مؤسسہ انتشارات امیرکبیر

تہران، ۱۳۹۱

سرشناسه: مکای، آدام.

Makkai, Adam.

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ اصطلاحات آمریکایی / [مؤلفان آدام مکای، ماکسین تال، جان ادوارد گیتس]: ترجمه حسن شیخ الاسلامزاده.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۷۵۹، ۹ ص.

شابک: 978-964-00-1460-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: عنوان اصلی: A Dictionary of American Idioms.c1995.

موضوع: زبان انگلیسی آمریکایی -- اصطلاحات و تعبیرها -- واژه‌نامه‌ها.

موضوع: زبان انگلیسی آمریکایی -- اصطلاحات و تعبیرها -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی.

موضوع: زبان انگلیسی -- ایالات متحده -- اصطلاحات و تعبیرها.

شناسه افزوده: ماکسین تال.

شناسه افزوده: Boatner, Maxin Tull.

شناسه افزوده: گیتس، جان ادوارد.

شناسه افزوده: Gates, John Edward.

شناسه افزوده: شیخ الاسلامزاده، حسن، ۱۳۱۴، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱، ۷۷ م/۳۹۳۹۱ PE

رده‌بندی دیویی: ۲۲۲/۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۶۴۵۵۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۴۶۰-۸

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Adam Makkai & M. T. Boatner & J. E. Gates, *A Dictionary of American Idioms*, American: Barron's Educational Series, Inc, 1995.



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۳۶۵۴۱۹۱

فرهنگ اصطلاحات آمریکایی

© حق چاپ: ۱۳۹۱، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: اول

نویسنده: آدام ماکای، ام. تی. بُنر، جی. ای. گیتس

مترجم: حسن شیخ‌الاسلامزاده

صفحه‌آرا: معصومه محمدی

طراح جلد: پریسا رسولی

حروف متن: میترا ۱۲.۵

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپ واژه‌پرداز اندیشه، تلفن: ۷۷۱۴۵۰۶۳۶

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۲۲۵۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، اسم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

پیشگفتار

خدای بزرگ و توانا را سپاس می‌گوییم که به من توفیق عنایت فرمود که بتوانم فرهنگ نوینی را به عرصه فرهنگ و ادب کشور تقدیم دارم که به یقین با دارا بودن ویژگی‌ها و شاخص‌های خاص خودش در پیشرفت زبان انگلیسی دانش‌پژوهان این کشور در مقاطع مختلف و برحسب نیازی که دارند تأثیرگذار بوده و آنان را هر رسیدن به هدف که همانا احاطه و تسلط به زبان انگلیسی است یاری خواهد داد.

امروزه این اصل برای همگان مسلم و روشن شده است که حصول موفقیت و کامیابی در رشته‌ها و شقوق مختلف علمی داشتن آگاهی و احاطه کافی به زبان انگلیسی یک امر لازم و ضروری است. زیرا مراجع و اسناد شایسته در رشته‌های گوناگون علوم و تکنولوژی نوین در کشور ما آن‌چنان وسیع و گسترده نیست که عطش دانش‌پژوهان را فرونشاند و لاجرم نسل جوان امروز که با عشق و علاقه وافق به دنبال کشف واقعیات جهان امروز است برای اینکه از کاروان ترقی و پیشرفت دنیای مترقی، عقب نمانند ایجاب می‌کند که نخست خوشتن را به سلاح زبان مجهز سازد و سپس به دنبال تحقیق و پژوهش برود. زیرا به یقین احاطه به این زبان نیل به این هدف را تسهیل و میسر می‌سازد.

جوانانی که برای ادامه تحصیل به خارج از ایران به‌ویژه به دنیای جدید که امروزه قطب تحقیق و پژوهش جهان به‌شمار می‌آید سفر می‌کنند هرچند که در میهن خود با کوشش فراوان به آموزش زبان انگلیسی پرداخته‌اند و ای بسا در امتحانات و آزمایش‌های مقرر نیز به کسب موفقیت نائل آمده‌اند ولی در عمل به علت عدم آشنایی با اصطلاحات خاصی که در محاورات عامه مورد استفاده است و برای هر مسافر تازه وارد ناآشناست با مشکل مواجه می‌شوند. در واقع عدم آشنایی با واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی دانش‌پژوه و یا هر مسافر دیگری را که به‌هر منظوری عزم سفر کرده است با دشواری‌های غیرقابل انکار روبرو می‌سازد که صرفاً طول اقامت می‌تواند رافع این دشواری‌ها باشد ولی با اطمینان خاطر می‌توان اذعان کرد که این مجموعه کلید کار را به دست می‌دهد و این مشکل را از پیش پای هر سفر کرده‌ای برمی‌دارد.

این یک امر بدیهی است که زبان محاوره در بین ملل عالم با زبان ادبی و نوشتاری تفاوت

آشکار دارد. لذا کسانی که به کشورهای بیگانه برای کسب دانش، تجارت، گردشگری و یا هر منظور دیگری وارد می‌شوند در آغاز به علت بی‌اطلاعی از اصطلاحات رایج میان مردم کلاً دچار نوعی سردرگمی و تحیر می‌شوند ولی داشتن زمینه قبلی و آگاهی به این قبیل اصطلاحات این مانع را به سهولت از میان برمی‌دارد و طبعاً برقراری ارتباط به طریق سهل و ساده بسیاری از دشواری‌های زندگی را حل می‌کند.

مثال زیر تا حدودی می‌تواند به بیان مقصود و منظور ما کمک کند.

"Sam is a real cool cat. He never blows his stack and hardly ever flies off the handle. What's more, he knows how to get away with things... Well, of course, he is getting on, too. His hair is pepper and salt, but he knows how to make up for lost time by taking it easy. He gets up early, works out and turns in early. He takes care of the hot dog stand like a breeze until he gets time off. Sam's got it made; this is it for him."

اینک پاراگراف مزبور را به انگلیسی عادی برمی‌گردانیم تا تفاوت این دو کاملاً مشخص و روشن شود.

Sam is really a calm person. He never loses control of himself and hardly ever becomes too angry. Furthermore, he knows how to manage his business financially by using a few tricks... Needless to say, he, too, is getting older. His hair is beginning to turn gray, but he knows how to compensate for wasted time by relaxing. He rises early, exercises, and goes to bed early. He manages his frankfurter stand without visible effort, until it is someone else's turn to work there. Sam is successful; he has reached his life's goal.

«سام واقعاً یک شخص آرامی است. او هرگز کنترل خود را از دست نمی‌دهد و به ندرت از جا در می‌رود. به علاوه او به خوبی می‌داند که چگونه با استفاده از راهکارهای مناسب امور مالی خود را سامان دهد. نیازی به گفتن نیست که او کم‌کم دارد پیر می‌شود. موهایش دارند قفل نمکی می‌شوند. اما او می‌داند که چگونه گذشت زمان و اوقات از دست رفته را با آسان گرفتن کارها جبران نماید. سام صبح زود از خواب برمی‌خیزد، ورزش می‌کند و شب‌ها هم به هنگام سر به بالین می‌گذارد، بساط هات داگ فروشی خود را بی‌آنکه زحمت زیادی متحمل شود ضبط و ربط می‌کند تا نوبت کاری دیگری فرابرسد. سام اصولاً یک انسان موفق است و به هدف خود دست یافته است»

قطلاً فهم چنین متنی با یک رشته اصطلاحات خاص خودش برای یک فرد بیگانه عالی‌الاشکال نیست مگر اینکه آن شخص سال‌ها در امریکا مقیم بوده و با امریکایی‌ها حشر و نشر داشته و با نحوه گفتگوها و محاوره آنان آشنا باشد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که خواننده با آشنایی با ترکیب و نوع جملات این مجموعه درمی‌یابد که این جملات تا چه اندازه کار مکالمه و صحبت کردن به زبان انگلیسی را به‌طور خودکار تسهیل می‌کند بی‌آنکه نیازی به معلم و استاد باشد. زیرا کتاب خواسته است که از خلال سطور قدرت و توانایی ارائه مقاصد و منظور را به خواننده القاء بکند و این امر یکی از نکات بارز و مشخصه فرهنگ مزبور می‌باشد و می‌توان ادعا کرد که به خوبی از عهده این کار مهم برآمده

است. فرهنگ مزبور ضمن بیان معانی گوناگون برای هر واژه و یا اصطلاحی نحوه کاربرد آن را نیز در قالب جملات نشان داده است. بنابراین می‌توان گفت که نه تنها خواننده با اصطلاحات و ویژه محاورات و گفتگوها در زمینه‌های مختلف آشنا می‌شود بلکه نحوه کاربرد و استعمال آن‌ها را نیز به خوبی فرا می‌گیرد.

از این رو می‌توان گفت که این فرهنگ ماهیتاً یک خودآموز گسترده‌ای است که از هر دری سخن می‌راند و نیازهای مطالب پندآموز کتاب که در قالب مثال‌ها و جملات ارائه می‌شود غافل بود. گرچه اندکی از مفاهیم کتاب با فرهنگ ایرانی ما در تعارض است ولی اگر آن‌ها را کنار بگذاریم، سراسر کتاب مشحون از اندرزهای بالارزش و زندگی‌ساز است که از خلال سطور و امثال می‌توان به آن‌ها پی برد. نباید از نظر دور داشت که وجود این همه آموزه‌های سرشار از خردورزی و تعقل و نکته‌سنجی و دانایی زائیده وجود ملیت‌های مختلفی است که پس از کشف قاره آمریکا در پی کسب ثروت و یا کار بدان سرزمین روی آوردند و خواهی نخواهی فرهنگی و تمدن بومی خود را نیز که حاصل قرن‌ها تجربه‌اندوزی نسل‌های مختلف بوده است با خود به موطن جدید برده و لاجرم در حفظ و اشاعه آن کوشیده‌اند، بنابراین جامعه آمریکا یک جامعه چند ملیتی و یا "multinational" می‌باشد که اقوام و ملل مختلف را با فرهنگ‌های متفاوت در خود جای داده است و در واقع این کتاب با تلفیق فرهنگ‌های گوناگون از طبایع انسان‌ها، از خواسته‌ها و آرزوهای مشترک آن‌ها، از حقد و حسد، از مزه شیرین موفقیت و کامیابی‌ها و طعم تلخ ناکامی‌ها، از عشق و دوستی، از مزایای علم و دانش از مضرات و پی‌آمدهای ناگوار و ننگاری و بیعاری برای جوانان گفتگو می‌کند و نکته‌ای را ناگفته باقی نمی‌گذارد و اصولاً می‌توان گفت فرهنگ مزبور تمام مصادیق و موارد و اتفاقات زندگی عادی انسان را در قالب جملات ترسیم کرده است بدیهی است صدق گفتار ما با مطالعه دقیق و غور و بررسی این فرهنگ به اثبات می‌رسد و بهتر است در این باره داوری را به خوانندگان محترم واگذار کنم.

در پایان بر خود فرض می‌دانم که از لطف و عنایت بی‌دریغ همسر عزیزم، بانو مینو صفاری که در فرازونشیب زندگی با فداکاری در کنار من بوده و با ایجاد محیط گرم و صمیمی شرایط مناسبی را به وجود آورد که بتوانم در تدوین این فرهنگ که حاصل سه سال کار و زحمات مداوم بوده است توفیق یابم، صمیمانه سپاسگزاری کنم و دعای خیرم را نثارش سازم و نیز از زحمات ارزنده و شایان تحسین سرکار خانم فاطمه ونکی که در تنسيق و تنظيم این فرهنگ واقعاً متحمل زحمات زیادی گردیده‌اند، تشکرات بی‌پایان خویش را به خدمت ایشان و همسر محترم‌شان جناب آقای میرابراهیم امینی تقدیم و موفقیت و سلامتی برای آنان آرزو کنم.

امیدوارم این فرهنگ در ارتقای سطح دانش و آگاهی جویندگان دانش زبان کارساز بوده و من نیز با تقدیم این مجموعه به ساحت فرهنگ این کشور که از جان و دل به تاریخ و پیشینه غرورآمیز آن عشق می‌ورزم مباحی و سربلند باشم.

Z

zero hour (n.)

(۱) وقت دقیق در فرهنگ نظامی و موقعی است که حمله و یا عملیات نظامی آغاز می‌شود و در ارتش ایران به نام ساعت «س» گفته می‌شود.

Zero hour for the bombers to take off was midnight.

ساعت «س» برای پرواز بمبافکن‌ها نیمه‌شب تعیین شد.

(۲) زمانی که یک تصمیم و یا یک تغییر قرار است انجام بگیرد. زمان برای انجام عملیات مخاطره‌آمیز.

It was zero hour and the doctor began the operation on the man.

ساعت موعود فرارسید و پزشک به عمل جراحی مرد پرداخت.

On the day of the championship game, as the zero hour came near, the players grew nervous.

در روز شروع مسابقات قهرمانی همان قدر که ساعت بازی نزدیک‌تر می‌شد به بازیکنان حالت هیجان دست می‌داد.

zero in on (v.)

(۱) تنظیم سلاح به گونه‌ای که دقیقاً به هدف اصابت کند.

Big guns were zeroed in on the enemy fort.

سلاح‌هایی با کالیبر بزرگ استحكامات دشمن را به‌طور دقیق هدف گرفتند.

American missiles have been zeroed in on certain targets, to be fired if necessary.

موشک‌های آمریکایی به پارامی از هدف‌ها نشانه‌گیری کرده‌اند که در صورت لزوم آتش بکنند.

(۲) تمام توجه خود را معطوف به مسئله کردن (slang)

The Senate zeroed in on the Latin-American problems.

مجلس‌سنا مسائل آمریکایی لاتین را در کانون توجه خود قرار داد.

Let's zero in on grammar tonight.

بگذار امشب صرفاً به آموزش دستور زبان انگلیسی بپردازیم.

zip one's lip Sec BUTTON ONE'S LIP.

zone defense (n.)

منطقه دفاعی در میدانی ورزشی مانند باسکتبال و فوتبال
The coach taught his team a zone defense because he thought his players weren't fast enough to defend against individual opponents.

سرمربی به تیم خودش دفاع از منطقه دفاعی را آموخت زیرا او تصور می‌کرد که بازیکنانش به اندازه کافی از سرعت برخوردار نیستند که بتوانند در برابر افراد تیم مقابل دفاع بکنند.

zank out (v.phr.) (slang)

(۱) سریعاً به خواب رفتن

Can I talk to Joe? - Call back tomorrow, he zonked out.

می‌توانم با جو صحبت کنم؟ فردا تلفن بکنید. او به محض اینکه سرش را روی بالش گذاشت به خواب رفت.

(۲) از فرط خستگی و یا صرف زیاد از حد مشروبات الکلی به حال بیهوشی افتادن

You won't get a coherent word out of Joe, he has zonked out.

شما حرف‌هایی که به هم ربط داشته باشند از جو نمی‌شنوید او از فرط خستگی و یا (از فرط مستی) بیهوش افتاده است.

zoom in (v.phr.)

(۱) نزدیک شدن سریع به چیزی در مورد هواپیما و یا پرنده که باید شکار شود.

The fighter planes zoomed in on the enemy target.

هواپیمای جنگنده به هدف دشمن نزدیک شد.

(۲) با دوربین عکاسی کسی و یا چیزی را به‌منظور عکس‌برداری موردنظر قرار دادن و به آن نزدیک شدن

The photographer zoomed in on the tiny colibri as it hovered over a lovely tropical flower.

عکاس دوربین خود را به‌سوی یک پرنده رنگی کوچولو که روی یک گل زیبای استوایی پر می‌زد، نشانه گرفت.